

اینجانب از اعماق دل، این حادثه‌ی تلخ و مصیبت‌بار را به ملت ایران بخصوص به مردم عزیز استان کرمانشاه و بویژه به خانواده‌های مصیبت‌زده تسلیت عرض می‌کنم. ۱۳/۱۰/۹۶



دیگر فضای افکار عمومی کشور از شدت غم و اندوه، ناآرام و ملتهب شد. متأسفانه اما باز هم بعضی از گروه‌های سیاسی و بعضاً معاند نظام، در زمانی که کشور و مخصوصاً مناطق آسیب‌دیده بیشترین نیاز را به وحدت، همدلی و کمک‌های مردمی دارند، با غنیمت شمردن فرصت و با بهانه‌ی یافتن مقصر، تلاش کردند تا اذهان عمومی را از مسأله‌ی اصلی و ضروری - یعنی رسیدگی به آسیب‌دیدگان - منحرف و مردم را میان قطب‌بندی‌های مصنوعی، متفرق و پراکنده کنند. در لحظات و ساعات‌هایی که هر فعالیتی برای بسیج افکار عمومی و گسیل ساختن کمک‌های مردمی، اعم از نقدی، کالایی و یا حضور داوطلبانه در مناطق بحران‌زده بسیار حیاتی است و می‌تواند جان ده‌ها و صدها هم‌وطن را نجات دهد؛ (۳۴)

مردمی، تلاش کردند تا میان جامعه‌ی اختلاف‌دوگانگی ایجاد کنند. رهبر انقلاب اما ساعتی پس از آن حادثه‌ی تلخ با انتشار پیامی، اذهان عمومی و مسئولان کشور را متوجه وظیفه‌ی اصلی خود کردند تا زمینه و امکان تفرقه و نفرت‌پرانی کاهش یابد: «در حال حاضر همه‌ی تلاش‌ها باید برای نجات جان گرفتارشدگان جهت‌دهی شود. رسیدگی به علل حادثه مسأله‌ی بعدی است. از همه‌ی مسئولان می‌خواهم همانگونه که در این چند ساعت، تلاش کرده‌اند کار مجاهدانه‌ی خود را ادامه دهند و وظیفه‌ی فوری را بر هر حرف و حدیثی مقدم بدارند.» ۹۵/۱۰/۳۰

دوم. با وقوع زلزله‌ی تلخ غرب کشور و انتشار صحنه‌های غم‌بار و ناراحت‌کننده‌ی مرحومان و مصدومان این واقعه در روزهای اخیر، بار

اول. صبح روز پنجشنبه ۳۰ دی ماه ۹۵، اهالی تهران، سوز زمستانی هوا را با بوی دودی غیرمعمول استنشام کردند. برج بلند آهنی موسوم به "ساختمان پلاسکو" در اتفاقی غیرمنتظره، دچار حریق شده بود و شعله‌های آتش از این ساختمان که روزگاری مرتفع‌ترین سازه‌ی شهر تهران بود، بانه می‌کشید. هنوز زمانی از حادثه نگذشته بود که تصاویر دلخراش در رسانه‌ها و فضای مجازی به سرعت منتشر شد و افکار عمومی جامعه را به شدت ملتهب و نگران کرد. در این میان، دقایقی بعد از وقوع حادثه، گروه‌های امداد و نجات، عملیات امداد، نجات و آواربرداری را آغاز کردند. اما در سویی دیگر، افراد و گروه‌هایی، به جای همیاری و کمک رساندن، با بهانه‌ی یافتن مقصر ماجرا، با پخش شایعات و سوءاستفاده از احساسات



خبر ویژه ۲

چرا مونتاژ کار شدیم؟



از سپهبد علی رزم آرا، نخست‌وزیر ایران در زمان پهلوی دوم، نقل است که می‌گفت «ایرانی لیاقت لوله‌نگ ساختن هم ندارد». جمله‌ای که نشانگر روحیه‌ی وابسته و خودباخته‌ی او داشت که به زعم پادشاهش، از این راه می‌شد چه سریع‌تر به «دروازه‌ی تمدن نوین» رسید. البته این تمدن نوین برای آن‌ها به معنای این نبود که کشوری پیشرفته و توسعه‌مند به وجود بیاید بلکه به معنای کسب صرفا ظاهر تمدن غربی و عدم ورود به صنایع مادر بود. در کتاب خاطرات علینقی علیخانی، وزیر اقتصاد رژیم پهلوی در دهه‌ی ۴۰، اشارات جالبی از ساختار نظام صنعتی کشور می‌توان دید، او می‌گوید در دوره‌ی من کارخانه‌هایی بودند که حتی آرم ساخت ایران را هم از بیرون می‌آوردند و آن را در کارگاه‌های تولید خود مونتاژ می‌کردند که مثال واضح آن کارخانه‌های جیب و فیات بودند. علیخانی اگر چه این کار را ظاهر احموم می‌دانست و به زعم خودش با این پدیده مقابله می‌کرد، اما سیاستی که او پایه‌گذاری کرد، برای دهه‌های بعد، سیاست «وابستگی» را در این کشور همچنان تعمیق کرد.

● انقلاب باید به صنعت هم برسد

در چنین شرایطی بود که انقلاب اسلامی جلوه کرد و زمین‌بازی به سمتی پیش رفت که نظام و مردم مجبور شدند تا در مواجهه با مسائلشان، تنها به خودشان تکیه کنند. همچنین به دلیل شرایط انقلابی و تحریم‌هایی ظالمانه و یک‌جانبه‌ای که از ابتدای انقلاب، گریبانگیر کشور شد، مسأله‌ی «نوآوری» نیز اهمیت پیدا کرد، چرا که اساسا نوآوری در تنگناهاست که رخ می‌نماید. وقوع جنگ تحمیلی، خود میدان دیگری بود برای ظهور خلاقیت و خودکفایی نیروهای مؤمن و انقلابی. در همین فضا، نیروهایی چون شهید طهرانی مقدم، بر اساس نیاز ضروری کشور، پایه‌های اولیه خودکفایی صنعت موشکی ایران را پی‌ریزی کردند. نتیجه آنکه امروز، صنعت موشکی و نظامی ایران، یکی از به‌روزترین و نوآورترین عرصه‌های صنعت ایران است. البته صنایع دیگری چون نانو و بیوتکنولوژی و هسته‌ای و هوافضا نیز عرصه‌های دیگری از همین دست‌اند.

با همه‌ی اینها اما تفکر خودکفایی و عدم وابستگی، در بسیاری از بخش‌های صنعتی کشور، رسوخ پیدا نکرده است. همچنان بنا بر عادت پیش از انقلاب، در برخی صنایع، گرفتار آفت مونتاژ کاری هستیم. «صنعت کشور دچار آفت مونتاژ کاری است که یک آفت قدیمی است؛ وقتی که مسئله، مسئله‌ی مونتاژ کاری است، نوآوری دیگر خیلی معنی ندارد.» ۹۶/۷/۲۶ در حالی که «دانشمندان ما نشان داده‌اند که می‌توانند نوآوری کنند، می‌توانند موشک بُرد بلند را جوری تنظیم کنند که در دوهزار کیلومتری با انحراف دو متر یا پنج متر به هدف بخورد؛ خب آن مغزی که می‌تواند این کار را بکند، در موارد گوناگون دیگر هم می‌تواند؛ مثلاً فرض کنید که سطح موتور خودرو را با یک پیشرفته‌ی بالا ببرد که فرض کنیم مصرفش کم بشود. ۹۵/۱/۱ باری، جوان مؤمن و انقلابی ایرانی، توان

۱۹ در لحظاتی که ایجاد فضای همدردی برای تسلی دادن به خانواده‌های داغدار واجب است؛ حاشیه‌سازی، نفرت‌پرانی و ایجاد اختلاف میان مردم نقشه‌ی دشمن است و نتیجه‌ی آن چیزی جز ضرر و نارسایی برای مردم آسیب‌دیده و کاهش اعتماد عمومی نخواهد بود. به همین دلیل است که رهبر انقلاب در پیام خود بار دیگر اذهان مسئولان و عموم مردم را به اصلی‌ترین وظیفه، که همان کمک و دستگیری از آسیب‌دیدگان و مصیبت‌زدگان است، توجه دادند: «وظیفه‌ی مسئولان آن است که در همین اولین ساعات با همه‌ی همت و توان به یاری آسیب‌دیدگان بویژه در زیرآوارمندگان بشتابند و با بهره‌گیری سریع از همه‌ی امکانات موجود، از افزایش تلفات جلوگیری کنند.» ۹۶/۸/۲۳

سوم. عقلانیت انقلابی در چنین شرایطی به ما می‌گوید علاوه بر آنکه «در غم آنها شریک هستیم» و برایشان از «خداوند متعال صبر و سکینه و آرامش» طلب می‌کنیم، در عین حال «این حوادث، تأثیر دیگری که دارد این است که خون را در رگ‌های مجموعه‌ی جامعه‌ی اسلامی کشور به حرکت در می‌آورد؛ همه را وادار می‌کند به حضور در صحنه‌های همیاری و محبت و برادری» ۹۶/۸/۲۳

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز خود، در چنین حوادثی با این منطق عمل کرده و می‌کنند. برای مثال زلزله‌ی سال ۱۳۴۷ که در دو منطقه‌ی فردوس و دشت بیاض خراسان جنوبی اتفاق افتاد، ایشان که در آن زمان طلبه‌ای مبارز بودند، مستقیماً به محل زلزله رفتند و با تشکیل گروه‌های امدادی، به توزیع کالا، کمک به مصدومان، برپایی چادر امداد و حتی خرید پشم و نخ برای اشتغال خانواده‌های زلزله زده مبادرت نمودند. همچنان که این اقدامات و فعالیت‌ها، در زلزله‌ی سال ۴۷ اسفراین و سیل سال ۵۵ قوچان نیز از سوی ایشان تکرار شد. حتی بعد از انقلاب اسلامی در دوران ریاست جمهوری و رهبری نیز همین مشی از جانب ایشان دنبال شد و در زمان زلزله‌ی رودبار، بم و آذربایجان شرقی، ایشان مستقیماً در محل واقعه حضور یافته و از نزدیک، شاهد اقدامات و فعالیت مسئولین شدند.

باری، مردم در هنگام مصیبت و شرایط غیرطبیعی، بیش از همه چیز، نیاز به "همدلی و همکاری" برای تسکین دردهای روحی و جسمی دارند. در این شرایط، وظیفه‌ی اولیه، کمک و خدمت‌رسانی به مردم و همدردی با آنها است. تجربه‌ی چهار ساله‌ی انقلاب نیز به ما نشان داده که اگر "همه با هم باشیم" می‌توان بر هر مشکلی فائق آمد. «اگر همه تلاش کردیم، می‌توانیم بایستیم، می‌توانیم استقامت کنیم، می‌توانیم دشمن‌مان را به زانو دریاوریم؛ اگر همه با هم باشیم؛ این توصیه‌ی همیشگی ما است.» ۹۶/۳/۲۲

روایت اندیشکده آمریکایی از اقدامات جدید عربستان

مژارش
صدی

همه چیز درباره ایران است

اندیشکده‌ی «مریکن اینترپرایز» در یادداشتی درباره‌ی تحولات و تحرکات اخیر مقامات سعودی نوشت: محمد بن سلمان، مقامات عالی‌رتبه‌ی دولتی عربستان سعودی از جمله ولید بن طلال، همچنین دیگرانی که ممکن است تهدیدی برای پادشاه جوان و قدرت مطلق او باشد را دستگیر کرد، فرودگاه‌های ریاض را تعطیل کرد تا مطمئن شود که هواپیماهای خصوصی قادر به فرار نیستند. در همان زمان، وی، سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان را که به ریاض وارد شده بود، احضار کرد و

